

اشکال اول: (اشکال مرحوم خوئی بر علامیت صحت حمل)

مرحوم خوئی در محاضرات می نویسد:

«و تفصیل ذلك ان الحمل الذاتي لا يكشف إلا عن اتحاد الموضوع و المحمول ذاتاً، و مغايرتهما اعتباراً، و لا نظر في ذلك إلى حال الاستعمال و انه حقیقی أو مجازی - مثلاً - حمل (الحيوان الناطق) على الإنسان لا يدل إلا على اتحاد معنييهما حقيقة، و لا نظر فيه إلى ان استعمال لفظ الإنسان فيما أريد به حقیقی أو مجازی.»^۱

توضیح:

- ۱) در حمل ذاتی آنچه کشف می شود اتحاد معنی موضوع و معنی محمول است.
- ۲) ولی در این حمل (و در هر حمل دیگری) آنچه به عنوان لفظ واقع می شود. (و در معنای موضوع و معنای محمول استعمال می شود) از مقام حمل خارج است.
- ۳) پس در حمل انسان بر حیوان ناطق آنچه بر آن دلالت می شود اتحاد معنای انسان و معنای حیوان ناطق است اما اینکه لفظی که با آن به معنای انسان اشاره می کنیم، در این معنی حقیقت است یا مجاز؟ مورد اشاره قرار نمی گیرد.

قبل از توضیح کامل فرمایش ایشان، لازم است اشاره کنیم که ظاهراً مرحوم خوئی، این اشکال را از کلام استاد خویش مرحوم اصفهانی اخذ کرده است. مرحوم اصفهانی در کتاب الاصول علی نهج الحدیث می نویسد:

«و اما الحمل: فهو بما هو لا يقتضى إلا الاتحاد في الذات أو في الوجود، و الاستعمال بما هو أعم من

الحقيقة، لكن الحمل باللفظ المجرد عن القرينة هو المفيد للحقيقة أحياناً.»^۲

توضیح:

- ۱) حمل بما هو حمل اگر اولی است، اتحاد دو معنی در ذات و حقیقت را می رساند و اگر شایع است، اتحاد دو معنی را در وجود و مصداق.
- ۲) و استعمال لفظ در این معنی، اعم از حقیقت و مجاز است.
- ۳) پس وقتی می توانیم صحت حمل را علامت حقیقت بدانیم که یقین داشته باشیم قرینه ای در کار نیست. ما می گوئیم:

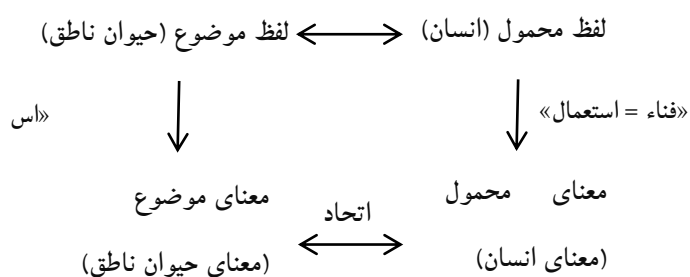
۱) در حقیقت کلام مرحوم اصفهانی به نوعی پاسخ به اشکال مرحوم خوئی است.

۱. محاضرات فی الاصول، ج ۱ ص ۱۱۷

۲. بحوث فی علم الاصول ص ۲۸



۲) بیان اشکال مرحوم خوبی آن است که - چنانکه گفتیم - در هر قضیه لفظیه آنچه موضوع و محمول واقع می شوند لفظ هستند و در عداد آن قضیه ای ذهنیه قرار دارد که در آن معنای موضوع و معنای محمول واقع می شوند.

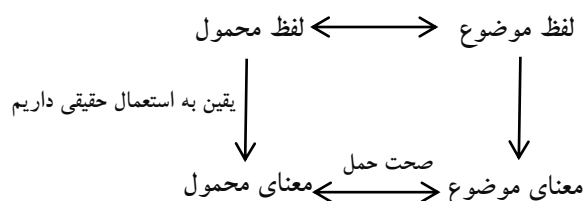


حال تمام تلاش ما این است که بگوییم «معنای موضوع» معنای «لفظ محمول» است. [بگوییم معنای حیوان ناطق، معنای لفظ انسان است].

و این متوقف بر دو امر است:

- الف) اینکه استعمال لفظ محمول، در معنای محمول، استعمال حقیقی باشد.
 - ب) اینکه معنای موضوع و معنای محمول متحد هستند.
- حال آنچه صحت حمل، متکفل آن است، اتحاد دو معنی است و بس.

۳) اما مرحوم اصفهانی تقریر علامیت را به جایی برده است که از سویی دیگر هم احراز کنیم که استعمال، حقیقت است یعنی قرینه ای در کار نیست، یعنی حمل ثابت کند اتحاد دو معنی را و در همان حال ما احراز کنیم که لفظ محمول در معنای حقیقی اش استعمال شده است.



۴) به نظر می رسد می توان جواب مرحوم اصفهانی را پذیرفت. اگرچه این جواب به نوعی خروج از فرضی است که مرحوم آخوند مطرح کرده اند. چراکه که مرحوم آخوند «احراز عدم قرینه» را مورد اشاره قرار نداده بود.

